



Penal Protection for Urban Environment in Criminal Law of Iran

Asghar Ahmadi ^{1*}, Ghodrat Allah Khosroshahi ², Bagher Shamloo ³

1. M.A in criminal law and criminology, Department of law, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2. Assistant Professor, Department of law, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3. Associate professor, Faculty of law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

In protecting important values of the society, legislators consider penal intervention and criminalization of behaviors that are in violation of that values. Urban environment is one of these values which is protected by the Iranian legislator's penal law. On Iran's penal legislation policy, criminal protection of the urban environment has been considered in the form of criminalization of malicious behaviors against the trees, waste, air, water and soil besides noise pollution, and also anything known as a threat to public health. But when it comes to policy efficiency and effectiveness in Iranian penal system regarding urban environment, important challenges like dispersion and incoherence in penal regulations and the lack of alignment between them, appear. So, the present paper is trying to evaluate the legislator's approach and challenges by analyzing documentary resources using analytic-descriptive research method.

Keywords: Urban Environment, penal protection, criminalization, criminal intervention.

حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران

اصغر احمدی^{۱*}، قدرت الله خسروشاهی^۲، باقر شاملو^۳

۱- کارشناس ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- استادیار، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۲۶

چکیده

قانون گذار در پاسداری از ارزش های مهم جامعه اقدام به مداخله کیفری و جرم انگاری رفتارهای ناقض آنها می نماید. یکی از این ارزش ها، محیط زیست شهری است که قانون گذار ایرانی به حمایت کیفری از آن پرداخته است. در سیاست کیفری تقنینی ایران، حمایت کیفری از محیط زیست شهری در قالب جرم انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، پسماندها، آلودگی هوا، آب و خاک و آلودگی صوتی و هم چنین تهدید علیه بهداشت عمومی به عمل آمده است؛ اما چالش های مهمی همچون پراکندگی قوانین و نبود قانونی منسجم و تعارض مقررات کیفری با یکدیگر در راستای کارایی و پویایی سیاست کیفری ایران در حوزه حمایت کیفری از محیط زیست شهری وجود دارد که در این مقاله که با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای نگارش شده است به ارزیابی رویکرد مقنن و چالش های پیش گفته پرداخته خواهد شد.

واژه های کلیدی: محیط زیست شهری، حمایت کیفری، جرم انگاری، مداخله کیفری.

مقدمه

پراکنده به عمل آمده که مشکلات عدیده‌ای را هم از نظر دسترسی مخاطبان قانون به آن‌ها و هم از نظر قضایی (ناسخ و منسوخ بودن قوانین) به بار آورده است. بدین سان واضح است که محیط زیست به عنوان یکی از موضوعات فنی و تخصصی نیازمند تدوین مجموعه‌ای واحد و منسجم است چرا که شفافیت در قانون گذاری یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (کوشکی، ۱۳۸۸).

وجود پراکندگی در قوانین زیست محیطی را می‌توان با یک مثال به خوبی نمایان ساخت. یکی از نخستین قوانینی که قانون گذار در حمایت از درختان جنگلی به تصویب رسانده است قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است. در این قانون رفتارهایی از جمله قطع درختان جنگلی جرم‌انگاری شده است. قانون گذار در اقدام بعدی خود در سال ۱۳۷۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور را به تصویب رساند که در آن قطع درختان جنگلی را ممنوع و برای متخلفان ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت. با این اقدام مقنن به نظر می‌رسید که قانون دوم، قانون نخست را نسخ کرده است^۴ اما هیئت وزیران در مصوبه سال ۱۳۸۲ خود در

یکی از بایسته‌های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام حقوقی شناسایی، تدوین و ایجاد نظام سلسله مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است (عبداللهی، ۱۳۸۶). یکی از این ارزش‌های مهم محیط زیست است. در عصر حاضر محیط زیست، در معرض آسیب‌های جدی و فراوانی قرار گرفته؛ محیطی که به‌مثابه بستر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لازمه تداوم حیات هر انسان است (مشهدی، ۱۳۹۲). گرم شدن کره زمین، قطع درختان برای مقاصد تجاری و شخصی، کاهش لایه اوزون (مک کالیون^۱، ۱۳۸۳)، استفاده مغرضانه و بی‌برنامه از آب‌های زیرزمینی، آلودگی هوا و انفراض گونه‌های گیاهی و جانوری نادر از جمله این خطرات می‌باشند که بحران‌های زیست محیطی را دامن زده‌اند.

امروزه بررسی جرائم علیه محیط زیست شهری از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است چرا که آسیب به آن به شدت محیط اجتماعی را به خطر می‌اندازد. حال پرسشی که پیش می‌آید آن است که با توجه به حمایت کیفری^۳ که در نظام حقوقی ایران از محیط زیست شهری به عمل آمده است آیا این حمایت توانسته است به خوبی نقش ارزنده‌ای را در پیش‌گیری و حفاظت از محیط زیست شهری ایفا کند. در پاسخ باید بیان داشت که به نظر می‌رسد حمایت کیفری قانون گذار از محیط زیست شهری نتوانسته است آن‌طور که بایسته و شایسته حمایت از این محیط است اهداف قانون گذاری را فراهم کرده باشد.

توضیح آن که حمایت کیفری قانون گذار از دو جهت مثبت ارزیابی نمی‌شود. اول از جهت عدم انسجام و از هم گسیختگی قوانین زیست محیطی. توضیح آن که حمایت کیفری از محیط زیست به‌طور عام و حمایت کیفری از محیط زیست شهری به‌طور خاص در قوانین

۴- دلیل این امر آن است که قانون گذار از یک سو در ماده یک قانون دوم درختان مشمول حمایت را به صورت تمثیلی ذکر کرده است و از سوی دیگر کیفر مقرر در تبصره سوم همین ماده را نسبت به قانون پیشین افزایش داده است. بنابراین منطقی نیست که از یک موضوع دو مقرر کیفری که با هم در تناقض هستند حمایت کیفری به عمل آورند. مطابق ماده یک این قانون: «از تاریخ تصویب این قانون گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، زربین، سرخدار، سرو خمره ای، حرا و چنندل، ارس، فندی، زیتون طبیعی، بنه (پسته وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی کشور محسوب و قطع آنها ممنوع می‌باشد». مطابق تبصره سه این ماده نیز: «متخلفین از این قانون برای بار اول علاوه بر پرداخت خسارتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه وزارت جهاد سازندگی ارزیابی خواهد گردید به حبس از یک ماه تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک برابر و نیم قیمت روز آن و در صورت تکرار به اشد مجازات محکوم می‌شوند». این در حالی است که ماده ۴۲ قانون پیشین برای قطع این گونه درختان کیفر حبس از ۱۱ روز تا ۶ ماه و

1. McCallion
2. Crimes Against the Urban Environmental
3. Penal Protection

ایران در بزه‌انگاری و حمایت کیفی از محیط‌زیست شهری، به بیان ویژگی‌های مهم بزه‌انگاری‌های صورت گرفته پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش آن است که نخست برخی از جرائم موجود در نظام کیفی ایران خاص محیط‌زیست شهری هستند مانند از بین بردن درختان موجود در فضای شهری؛ اما برخی دیگر قابلیت تحقق در فضای شهری را دارند و از این جهت خاص این محیط نیستند، همچون هوا یا پسماندها. در این مقاله هر چه آن که به محیط‌زیست شهری مربوط می‌شود، اعم از آن که خاص این محیط باشد یا قابلیت تحقق در این فضا را داشته باشد مدنظر است. به همین جهت درختان، پسماندها، تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی هوا، آب، خاک و صوت مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دوم آن که حمایت کیفی از محیط‌زیست شهری در حقوق کیفی ایران به صورت یکپارچه و منسجم نبوده و در قوانین مختلفی به صورت نامتوازن صورت گرفته است. این عدم انسجام سبب بروز چالش‌های فراوانی از جمله ناسخ و منسوخ بودن قوانین می‌شود.

سوم آن که در حمایت کیفی قانون‌گذار از محیط‌زیست شهری نقایص زیادی وجود دارد که از منظر جرم‌شناسی (همچون میزان اندک کیفی‌های مقرر و ناتوانی آن‌ها در بازدارندگی کیفی) و حقوقی (همچون حمایت کیفی از درختان) چالش‌های بسیاری را بر جای می‌گذارد.

بدین سان لازم است که مقنن علاوه بر اتخاذ سیاست کیفی افتراقی در حوزه حمایت کیفی از محیط‌زیست شهری، به رفع نقایص موجود در این عرصه اهتمام ورزد.

اقدامی تعجب‌برانگیز جریمه‌های نقدی مقرر در قانون نخست را افزایش داد.^۱

دومین ایراد سیاست کیفی مقنن در حمایت از محیط‌زیست شهری میزان ناچیز کیفی‌هایی است که برای حمایت از محیط‌زیست شهری در نظر گرفته که از این جهت هدف بازدارندگی کیفی‌ها را به خوبی تأمین نخواهد کرد؛ اما این امر بدان معنا نیست که قانون‌گذار باید ذهنیت سخت‌گیرانه خویش را افزایش داده و به افزایش کیفی‌ها خارج از معیارهای جرم‌انگاری مبادرت ورزد. بلکه منظور آن است که در پس اتخاذ سیاست‌های کیفی سنجیده و در پرتو سنجه‌های کیفی‌گذاری، از دیگر ابزارها برای حمایت از محیط‌زیست شهری استفاده کند.

بدین سان هدف این مقاله پس از شناخت چالش‌های کلی کارایی و پویایی سیاست کیفی تقنینی ایران در حوزه حمایت از محیط‌زیست شهری آن است که در هر مورد خاص، مشکلات قانون‌گذاری نمایان شود تا به اتخاذ سیاست کیفی منسجم و شفاف در این زمینه کمک شود.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی نگارش شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و در تجزیه و تحلیل اطلاعات پس از بیان سیاست کیفی حاکم بر نظام کیفی

پرداخت جریمه نقدی از یک صد تا یک هزار ریال نسبت به هر اصله درخت را در نظر گرفته بود.

^۱- هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۸۰/۲۳۲۹۸۴ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۸ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد ماده ۶۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۱ میزان جرایم مندرج در مواد ۴۲ (بریدن ریشه کن کردن و سوزاندن هر اصله نهال و درخت)، ۴۳ (بریدن و ریشه کن کردن بوته‌ها و خارهای مناطق بیابانی و کویری)، ۴۴ (چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع و مناطق تعیین شده)، ۴۶ (کت زدن یا پی زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی و ۵۰ (چرای غیر مجاز در محدوده جنگل‌های سوخته شده یا توده‌های جنگلی) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ افزایش می‌یابد.

جرم‌انگاری تخریب درختان

درختان به‌عنوان بخش مهمی از محیط‌زیست، مورد حمایت اسناد بین‌المللی از جمله فصل یازدهم دستور کار ۲۱^۱ و بیانیه اصول حفاظت از جنگل‌ها مصوب ۱۹۹۲^۲ قرار گرفته است.

در حقوق کیفری ایران مهم‌ترین مقرره‌ای که به حمایت کیفری از درختان موجود در فضای شهری پرداخته است، ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف مقررات قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ است، اما این قانون مطابق «قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» در سال ۱۳۸۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بازنگری قرار گرفت. مطابق ماده ۱ قانون اصلاح: «به‌منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میدان‌ها، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است...».

اما ماده ۴ این قانون مقرراتی شبیه ماده ۶۸۶ را به تصویب رسانده است که باید آن را ناسخ ماده ۶۸۶ دانست. به موجب این ماده: «هر کس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد،

علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد، به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». در خصوص این ماده نکاتی قابل ذکر است که نمایانگر مثبت نبودن مداخله کیفری قانون‌گذار برای حمایت کیفری از درختان در فضای شهری است.

نخست آن که عملکرد قانون‌گذار در تصویب این ماده نسبت به ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات را می‌توان از یک سو مطلوب و از سوی دیگر نامطلوب دانست. اقدام مفید قانون‌گذار در ماده جدید را می‌توان پیش‌بینی جزای نقدی برای هر درخت به صورت مجزا دانست، در حالی که در ماده ۶۸۶ جزای نقدی برای رفتار فرد صرف نظر از تعداد درختان قطع شده پیش‌بینی شده بود؛ اما اقدام غیرمفید و نامطلوب قانون‌گذار را می‌توان هم در تقلیل کیفر حبس از شش ماه تا سه سال به شش ماه تا یک سال و هم چنین مشروط کردن اعمال این کیفر به قطع بیش از سی اصله درخت دانست. در واقع چنین مجوزی از سوی قانون‌گذار به اشخاص اجازه می‌دهد که تا سی اصله درخت را قطع نمایند و در قبال این چنین رفتار آسیب‌زای مهمی که نتایج بسیاری بر جای می‌گذارد فقط کیفر نقدی بر شخص اعمال شود؛ و هم-چنین بزه کار با تجاوز قطع درختان به بیش از سی اصله درخت فقط با کیفر اندک شش ماه تا یک سال حبس مواجه است.

نکته دوم آن است که حقوق کیفری ایران به دو شکل از درختان واقع در فضای شهری حمایت کیفری به عمل آورده است. نخست حمایت از درختانی که جزء اموال شخصی اشخاص محسوب می‌شوند مانند آنچه در مواد ۶۷۵^۳ و ۶۸۴^۴ قانون تعزیرات پیش‌بینی شده است. چنین

^۳ - هر کس عمدتاً... جنگل یا... اشجار یا... باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا ۵ سال محکوم می‌شود.

1. Agenda 21 Rio - 1992

2. Déclaration de principe sur les forêts Rio - 1992

نقصان شده است و آن عدم جرم‌انگاری تخریب درختان متعلق به غیر است. توضیح آن که چنانچه درخت (بدون حاصل) متعلق به دیگری در فضای شهری مورد تخریب واقع شود هیچ‌یک از مقررات کیفری قانون تعزیرات از آن حمایت کیفری به عمل نیاورده‌اند چراکه از یک‌سو رفتار مرتکب در این فرض تخریب کردن است پس از اساس از حکم ماده ۶۷۵ که رفتار موردنظر وی آتش زدن است خارج می‌شود؛ از سوی دیگر ماده ۶۸۴^۲ نیز غیرقابل استناد خواهد بود چراکه ماده‌ای حاصل محور است و از این جهت نمی‌توان به این ماده استناد کرد.

چهارمین نکته را می‌توان با طرح یک پرسش مطرح کرد و آن این است که ضمانت اجرای کیفری مقنن مشمول مالک درخت نیز می‌شود یا خیر. به دیگر سخن اگر شخصی در فضای شهری درختی را بکارد و سپس آن را قطع نماید آیا چتر حمایتی قانون‌گذار بر موضوع رفتار وی نیز گسترانیده خواهد شد یا خیر. در پاسخ باید بیان داشت که هرچند به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد»^۳ اما به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»؛ بنابراین چون این رفتار یک جرم علیه اموال نبوده، بلکه یک بزه علیه آسایش عمومی است که هدف از آن حفظ و

حمایتی نه به جهت حفظ و حمایت از محیط‌زیست، بلکه به جهت حمایت از اموال شخصی است. به دیگر سخن، قصد قانون‌گذار در این حالت حفاظت درختان از تعرض، همچون حمایت از دیگر اموال اشخاص است. دوم حمایت از درختان به جهت آن که جزء اموال ملی‌اند و ثروت عمومی محسوب می‌شوند مانند آنچه در ماده ۴ قانون اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها تعیین شده است.

حال چالشی که در این خصوص پیش می‌آید آن است که چنان چه شخصی درخت متعلق به دیگری که در فضای شهری واقع شده است را آتش بزند باید معتقد به حاکمیت مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ بود یا ماده ۴ قانون پیش گفته. به دیگر سخن آیا باید منفعت خصوصی را مقدم شمرد یا نفع جمعی را؟ برای پاسخ به این پرسش باید میان دو حالت تفکیک قائل شد. نخست آن که درخت مزبور در ملک شخصی دیگری باشد که در این صورت بی‌تردید ماده ۶۷۵ حکم‌فرما خواهد بود چراکه ماده ۱ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها از معابر، میدان‌ها و هر آنچه جز فضای شهری باشد سخن گفته است و ملک شخصی افراد جز فضای شهری نیست. حالت دوم آن است که درخت متعلق به دیگری در معبر عام مانند حریم خانه واقع شده باشد. به نظر می‌رسد که در این فرض باید معتقد به حاکمیت ماده ۶۷۵ بود چراکه از نظر قانون‌گذار مال شخص دیگری مورد تخریب قرار گرفته است اعم از این که درخت باشد یا خیر؛ اما چنانچه درخت متعلق به عموم باشد حکم ماده ۴ لازم‌الاجرا خواهد بود.

نکته سوم آن است که قانون‌گذار در حمایت کیفری خویش از درختان متعلق به غیر در فضای شهری دچار

^۲ هرکس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.

^۳ این قاعده که در زبان حقوقی ما «تسلیط» نامیده می‌شود، محدود بر این است که تصرف و انتفاع به زیان همسایه نباشد، یا در اندازه متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از مالک باشد ماده ۱۳۲ قانون مدنی یعنی، هر جا که قاعده تسلیط با لاضرر تراحم پیدا کند، لاضرر حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

^۲ هر کس... باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود... به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.

مطابق بند «ب» ماده ۲ قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳: «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولیدکننده زائد تلقی می‌شود». پسماندها مطابق ادامه همین بند به پنج گروه عادی^۳، پزشکی (بیمارستانی)^۴، ویژه^۵، کشاورزی^۶ و صنعتی^۷ تقسیم می‌شوند.

مطابق ماده ۷ این قانون، مدیریت اجرایی پسماندها باهم متفاوت است. بر اساس این ماده، مدیریت اجرایی پسماندهای عادی، پزشکی و کشاورزی در شهرها و روستاها و حریم آن‌ها به عهده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و در خارج از حوزه وظایف شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، به عهده بخشرداری‌ها است؛ اما مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه به عهده تولیدکننده خواهد بود.

اما جرائمی که در این قانون پیش‌بینی شده است را می‌توان در سه دسته بررسی کرد. دسته اول که شامل نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماند در غیر موارد مقرر قانونی مطابق ماده ۱۶ قانون مزبور جرم تلقی شده و برای آن کیفر در نظر گرفته شده است. این ماده از لحاظ نوع

۳- به کلیه پسماندهای عفونی و زیان‌آور ناشی از بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه‌های تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه گفته می‌شود. سایر پسماندهای خطرناک بیمارستانی از شمول تعریف خارج است.

۴- به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به دلیل بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته و آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند جزء پسماندهای ویژه محسوب می‌شوند.

۵- به پسماندهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی گفته می‌شود. از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان) محصولات کشاورزی فاسد یا غیر قابل مصرف.

۶- به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود. از قبیل براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان می‌باشد از طرف مالک نیز قابل تحقق است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲).

سرانجام چالش آخر حمایت کیفری قانون‌گذار از درختان واقع در فضای شهری آن است که این حمایت فقط محدود به قطع یا از بین بردن درختان به‌نحوی که باعث مرگ آنان شود می‌شود، بنابراین رفتارهایی مانند کندن شاخ و برگ درختان مشمول این ماده نمی‌شود.

جرم‌انگاری پسماند محور

جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با پسماندها هرچند خاص محیط‌زیست شهری نیست و می‌تواند خارج از این محیط نیز تحقق یابد، اما با توجه به این که اکثر فعالیت‌های انسان در این محیط رخ می‌دهد و انواع پسماندها مانند پسماندهای عادی (همچون زباله‌ها) و پسماندهای بیمارستانی در فضای شهری رخ می‌دهد از این نظر این پسماندها نیز در قالب حمایت کیفری از محیط‌زیست شهری بیان شده است.

پسماندها به خصوص زباله‌های خطرناک مورد توجه اسناد بین‌المللی همچون فصول ۱۹ (مدیریت مواد شیمیایی سمی)، ۲۰ (زباله‌های خطرناک)، ۲۱ (زباله‌های جامد و فاضلاب)، ۲۲ (زباله‌های اتمی) دستور کار ۲۱، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد مصوب ۱۹۷۲^۱ و کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون‌مرزی مواد زائد زیان‌بخش و دفع آن‌ها ۱۹۸۹^۲ قرار گرفته است.

1. Convention de Londres de 1972 sur la prévention de la pollution des mers r, sultant de l'immersion de d, chets (Londres, 1972)

1. Convention de Bâle sur le contrôle des mouvements transfrontières de déchets dangereux et leur élimination (22 mars 1989)

۲- به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به صورت معمول از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در شهرها، روستاها و خارج از آن‌ها تولید می‌شود، از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی.

و نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود. نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع آیین‌نامه اجرایی مصوب هیئت وزیران خواهد بود.^۱ ضمانت اجرای رعایت این الزام در ماده ۱۷ مقرر گشته است. مطابق ماده ۱۷: «متخلفین از حکم ماده ۱۴ این قانون موظف‌اند پسماندهای مشمول کنوانسیون بازل را به کشور مبدأ اعاده و یا در صورت امکان معدوم کردن در داخل تحت نظارت و طبق نظر سازمان (مرجع ملی کنوانسیون مذکور در ایران) با هزینه خود به نحو مناسب دفع نمایند. در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۱۶ محکوم خواهند شد»^۲.

در کنوانسیون بازل مقررات مختلفی برای نقل و انتقال پسماندهای ویژه مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که عدم رعایت آن‌ها موجب نقض کنوانسیون از سوی اعضا می‌شود. مهم‌ترین مقررات موضوع این کنوانسیون برای نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه، در مواد ۶ تا ۹ این کنوانسیون مصرح گشته‌اند. از جمله این که: کشور صدور^۳ باید کتباً و از طریق مرجع صالح کشور صدور^۴، مرجع صالح کشورهای ذی‌نفع را از هرگونه انتقال برون مرزی زباله‌های مضر یا سایر انواع زباله که در نظر دارد انجام دهد مطلع سازد، یا از ایجاد کننده یا صادر کننده زباله‌ها بخواهد که چنین اقدامی را به عمل آورد. در مقابل نیز کشور ورود وظیفه دارد که کتباً به کشور اطلاع دهنده پاسخ دهد و موافقت خود را تحت شرایطی و یا بدون قید و شرط اعلام

کیفر، جزای نقدی را برگزیده و از لحاظ میزان کیفر، بزه‌های مرتبط با پسماندهای عادی را دارای سرزنش کمتری دانسته و کیفر نقدی کمتری را برای آن در رویارویی با سایر پسماندها در نظر گرفته است؛^۱ اما دو نکته در خصوص رفتار فیزیکی بزه مزبور لازم به ذکر است. اول آن که رفتارهای فیزیکی مقرر در ماده جنبه حصری داشته و نه تمثیلی؛ بنابراین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق بزه مزبور باید یکی از رفتارهای «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، صدور و تخلیه» در غیر موارد مقرر قانونی باشد. دوم آن که از ظاهر ماده برمی‌آید که این بزه با ارتکاب فعل مثبت و انجام کار تحقق می‌یابد، نه ترک فعل.

دسته دوم شامل ممنوعیتی است که در ماده ۱۳ این قانون مقرر شده است. مطابق ماده ۱۳: «مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آن‌ها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است». ضمانت اجرای عدم رعایت این ممنوعیت در قسمت اخیر ماده ۱۶ بیان گردیده که کیفر نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یک صد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، دو برابر حداکثر کیفر پیش‌بینی گردیده است. قانون‌گذار در این مورد تأکید ویژه‌ای بر پسماندهای پزشکی داشته و با توجه به خطرناکی آن‌ها، حکم خویش را به صورت واضح بیان کرده است.

دسته سوم نیز الزامی است که برای انتقال پسماندهای ویژه پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۱۴: «نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل^۲

۱۹۸۹ به تصویب رسیده است. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون مصوب ۱۳۷۱/۶/۳۱ می‌باشد.

۳- بدیهی است منظور از مجازات‌های مقرر در ماده ۱۶، کیفر نقدی پیش‌بینی شده برای سایر پسماندها است.

۴- به معنی کشور عضوی است که قرار است انتقال برون مرزی زباله‌های مضر و سایر انواع زباله از آن‌جا آغاز شود.

۵- به معنی یک مرجع دولتی است که یک کشور عضو در نواحی خود صلاح می‌داند، تعیین می‌نماید تا مسئول دریافت اطلاعاتی مربوط به انتقال برون مرزی زباله‌های مضر یا سایر انواع زباله مربوط به آن و پاسخ‌گویی به آن اطلاعاتی باشد.

۱- مطابق ماده ۱۶ برای بزه‌های مرتبط با پسماندهای عادی، کیفر نقدی از پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال در بار اول، و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی، کیفر پیش‌بینی کرده است.

۲- این کنوانسیون که نام کامل آن عبارت است از «کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آن‌ها» در ۲۲ مارس

جرم‌انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی

تهدید علیه بهداشت عمومی رفتار دیگری است که قانون‌گذار برای حمایت کیفری از محیط‌زیست شهری (البته نه به‌طور اختصاصی)، آن را جرم‌انگاری کرده است. ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد...، ریختن... زباله در خیابان‌ها و ... ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». عمل مرتکب در این ماده تهدید علیه بهداشت عمومی است؛ بنابراین از این منظر تفاوتی میان رفتارهای مختلف وجود ندارد و قانون‌گذار با استفاده از عبارت «هر اقدامی» و بهره‌گیری از رفتارهای تمثیلی گسترده ماده را افزایش داده و منحصر به موارد خاصی نکرده است.

موضوع این جرم یعنی آن چیزی که جرم علیه آن واقع می‌شود عبارت است از بهداشت عمومی. بهداشت عمومی که همان بهداشت محیط است مطابق ماده ۱ آیین‌نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱ هیئت وزیران، عبارت است از «کنترل عواملی از محیط زندگی به گونه‌ای که روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند».

نکته‌ای که در خصوص این جرم قابل ذکر است آن است که صرف این که رفتارهای مصرح در ماده رخ بدهند جرم مزبور قابل تحقق نخواهد بود بلکه باید این رفتارها تهدیدی علیه بهداشت عمومی شناخته شوند. از این حیث می‌توان به رویکرد قانون‌گذار انتقاد وارد کرد، چراکه از منظر قربانی‌شناسی جرائم زیست‌محیطی، محیط‌زیست فارغ از تأثیر آن نسبت به انسان‌ها دارای ارزش ذاتی است و این که برای هر یک از اجزای آن باید هویت و شخصیتی

- اقدام به جلوگیری از بازرسی و تحقیق مقامات صالح در زمینه پسماند(بند ۹).

دارد و یا این که از اجازه انتقال امتناع ورزد یا اطلاعات بیشتری را درخواست نماید^۱.

بدین سان تا زمانی که کشور صدور، تأیید کتبی مبنی بر موافقت کشور ورود و تأییدیه وجود قرارداد بین صادرکننده و دفع‌کننده که طی آن اداره صحیح زیست‌محیطی زباله‌های موردنظر تصریح گردیده است را دریافت ننماید، حق اجازه شروع انتقال برون‌مرزی زباله‌ها را ندارد^۲.

بدین سان کنوانسیون الزاماتی را بیان کرده که در صورت رعایت نکردن آن‌ها نقل و انتقال غیرقانونی خواهد بود. از جمله غیرقانونی بودن نقل و انتقال می‌توان به: انتقال بدون اطلاع به کشورهای ذی‌ربط؛ انتقال بدون موافقت کشورهای ذی‌ربط؛ انتقال با موافقت کشورهای ذی‌ربط از طریق جعل، قلب واقعیت یا تقلب؛ مغایر بودن نحوه انتقال با مدارک مربوط؛ اشاره کرد.

نوع تخلفات و جرائم پیش‌بینی شده در این قانون شبیه نظام حقوقی فرانسه است با این تفاوت که در فرانسه برای تخلفات ناشی از پسماند کیفر «حبس» در کنار جزای نقدی (ماده ۴۶-۵۴۱) پیش‌بینی شده است (مشهدی، ۱۳۸۶)^۳.

۱- بندهای یک و دو ماده ۶ کنوانسیون بازل.

۲- بند ۳ از ماده ۶ کنوانسیون بازل.

۳- برای تضمین ضمانت اجرای مقررات و ضوابط مربوط به مدیریت پسماندها، مواد ۴۶-۵۴۱ تا ۵۴۱-۵۰ به این امر اختصاص یافته‌اند. همچنین در ماده ۴۲-۵۴۱ نیز عناوین مجرمانه مرتبط با پسماندها مشخص گردیده‌اند که مطابق آن برای رفتارهای ذیل کیفر حبس تا دو سال و جریمه تا ۷۵ هزار یورو را در نظر گرفته است:

- پرتاب پسماند بدون رعایت مقررات مواد ۶-۵۴۱ و ۹-۵۴۱-۹ کد محیط زیست(بند ۱ و ۲).

- انباشت پسماند برخلاف شرایط مقرر در این قانون(بند ۴).

- اقدام به حمل و نقل و تجارت پسماند به ویژه پسماندهای مواد ۷-۵۴۱ و ۸-۵۴۱ و پسماندهای خطرناک(بند ۵).

- فروش یا مصرف پسماند بدون توجه به شرایط مواد ۲۲-۵۴۱(بند ۷).

- فروش یا مصرف پسماند و بدون توجه به شرایط تکنیکی و مدیریتی و بهداشتی پسماند(بند ۸).

را نیز به‌عنوان اقدامی علیه بهداشت عمومی تلقی کنند حال آنکه قطعاً عرف چنین تلقی را از این رفتار نخواهد داشت. بدین‌سان لازم است که مقنن از به‌کار بردن چنین واژه‌های مبهمی پرهیز کند. در وضع کنونی نیز باید با به‌کار بردن قواعد تفسیر از جمله قاعده عدم دخالت مقنن کیفری جز در موارد کاملاً ضروری، تفسیر قانون کیفری در پرتو قانون اساسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم (پوربافرانی، ۱۳۹۰) از تفاسیر ناروا و ناقانونی در این زمینه جلوگیری کرد.

آخرین نکته در خصوص تمایز میان تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست است. توضیح آن‌که بسیاری از متون مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی در ماده مذکور را با جرم آلودگی یکی دانسته‌اند. لذا به نظر می‌رسد این موضوع مقرون به صحت نباشد؛ چراکه تعاریف بهداشت و آلودگی محیط‌زیست متفاوت از یکدیگر است. به‌نحوی که در ماده (۱) آیین‌نامه بهداشت محیط، بهداشت عبارت است از: کنترل عواملی از محیط زندگی که به‌گونه‌ای روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند. حال آن‌که تعریف آلودگی مستند به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و با تغییرات بسیار جزئی در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. حال اگر ایجاد آلودگی منجر به صدمات به بشر نگردد، نمی‌تواند از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی باشد (نجات و دبیری، ۱۳۹۴). برای رفع این تعارض می‌توان سه نظر را مطرح کرد. نخست آن‌که این دو را تعدد معنوی فرض

قائل بود؛ بنابراین صرف آلوده کردن هوا یا آب یا خاک رفتاری مجرمانه خواهد بود، نه آن‌که حمایت از محیط‌زیست را زمانی قابل اجرا بدانیم که به منفعت انسان خدشه‌ای وارد شود. این امر از جهت حقوقی نیز قابل انتقاد است؛ چراکه جرائم زیست‌محیطی معمولاً اثراتی بلندمدت دارند، حال آنکه به نظر می‌رسد ارزیابی تهدید بودن رفتار علیه بهداشت عمومی با نگاهی پیامد‌گرای مقطعی صورت گیرد که این امر سبب می‌گردد چنانچه رفتاری در کوتاه‌مدت تهدیدی علیه بهداشت عمومی نباشد ولی اثرات آن در بلندمدت نمایان گردد از گستره جرم‌انگاری قانون-گذار خارج گردند. با این حال در وضع فعلی تحقق آلودگی محیط‌زیست متوقف بر ایجاد تغییر در اجزای محیط‌زیست است (قاسمی، ۱۳۸۵).

نکته دیگر در خصوص مرجع تشخیص مورد تهدید قرار گرفتن بهداشت عمومی است. قانون‌گذار در تبصره ۱ این ماده علاوه بر تعیین مرجعی خاص برای تشخیص تهدید علیه بهداشت عمومی، از مراجعی برای تشخیص آلودگی محیط‌زیست و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی نیز سخن به میان آورده است. مطابق این تبصره، مرجع تشخیص اقدام علیه بهداشت عمومی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ مرجع تشخیص آلودگی محیط‌زیست، سازمان محیط‌زیست و مرجع تشخیص غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات انسانی، سازمان دامپزشکی خواهد بود.

چالش دیگری که در پس این جرم به وجود می‌آید در دسترس نداشتن معیاری برای تشخیص تهدیدکننده بودن رفتار علیه بهداشت عمومی است. توضیح آن‌که برای مثال وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر چه اساس و معیاری تشخیص خواهد داد که زباله ریخته شده در خیابان تهدید علیه بهداشت عمومی است. این نوع از قانون‌گذاری راه را برای تفسیرهای ناروا باز می‌گذارد چراکه ممکن است ارزیابان این وزارت ریختن یک کیسه‌زباله در خیابان

گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد».

منشأ آلودگی هوا می‌تواند منابع مختلفی مانند استفاده از سوخت‌های فسیلی، وسایل نقلیه، فعالیت‌های صنعتی، به آتش کشیدن زباله‌ها و فضولات باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹)؛ اما در این قسمت با توجه به این که قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ منابع آلوده کننده هوا را مطابق ماده ۳، به سه دسته وسایل نقلیه موتور؛ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها؛ و منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه تقسیم کرده است، بر مبنای همین تقسیم‌بندی مسئولیت کیفری مرتکبان آن مشخص خواهد شد.

وسایل نقلیه موتوری

استفاده از وسایل نقلیه موتوری در مجموع می‌تواند از دو جهت مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد. اول از جهت تردد با وسایل نقلیه آلوده کننده غیرمجاز و دوم نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا که در این قسمت بررسی خواهند شد.

تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده

این رفتار در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ بدین نحو که: «افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند...» بزه‌انگاری شده است. رفتار مجرمانه این ماده «تردد» است که حتماً لازم است با وسایلی صورت گیرد که هم موتوری بوده و هم آلودگی غیرمجاز^۴ تولید نمایند. بدیهی است تردد به

کنیم و کیفر اشد را برای مرتکب در نظر بگیریم؛ اما به نظر می‌رسد که این فرض چندان با واقعیات علم حقوق سازگار نباشد چرا که مصادیق آلودگی محیط‌زیست در قالب جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته شده‌اند و نه عنوان مجرمانه مستقلی. بر اساس نظریه دوم باید فقط صحبت از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نمود، چرا که قانون‌گذار زمانی یک جرم را رفتار فیزیکی جرم دیگر در نظر می‌گیرد قصدش جرم مهم‌تر بوده است. سرانجام بر اساس نظر سوم که نظری منطقی‌تر است، باید تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود» مستمسک قرارداد و معتقد بود که قانون‌گذار مجموع جرائم ارتكابی را یک جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته است.

جرم‌انگاری آلودگی هوا

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به حمایت و حفاظت از هوا و جو پرداخته‌اند می‌توان به کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن مصوب ۱۹۸۵، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (تغییرات اقلیمی) مصوب ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم مصوب ۱۹۹۸ اشاره کرد. ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ پس از ممنوع ساختن هر عملی که موجب آلودگی هوا می‌شود مقرر می‌دارد: «... آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع،

۴. ماده ۴ این قانون در راستای غیر مجاز بودن تردد وسیله مقرر می‌دارد: «استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده‌های دیگر وارد هوای آزاد نمایند ممنوع است. حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت

1. Convention des Nations Unies de Vienne du 22 mars 1985 pour la protection de la couche d ozone
2. Convention-cadre des Nations Unies sur les changements climatiques (New York, 1992)
3. Protocole de Kyoto à la Convention cadre des Nations Unies sur les changements climatiques (Kyoto, 1997-12-11)

نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا

قسمت دوم ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «... همچنین کسانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند...». ماده ۷ این قانون در زمینه‌ی بیان محدودیت‌ها بیان می‌دارد: «در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط‌زیست را شدیداً به مخاطره بیندازد، سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداری‌ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های زمانی، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده کننده^۱ برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه‌های همگانی به اطلاع عموم خواهند رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید».

در خصوص این جرم دو نکته وجود دارد که باید بیان شوند. اول آن که رفتار مرتکب در نقض ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به صرف برقراری این ممنوعیت‌ها نیست و باید مطابق ماده حتماً برقراری آن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع عموم برسد؛ بنابراین اگر این ممنوعیت‌ها برقرار شوند ولی به اطلاع عموم نرسند، صرف نقض آن‌ها جرم نخواهد بود، چرا که از لحاظ اصولی قاعده «قیح عقاب بلا بیان» حاکم خواهد بود و تازمانی که ممنوعیت به اطلاع عموم نرسد، به کیفر رسانی ناقضان آن عقابی است که قبلاً بیان نشده و مخاطبان قانون از آن بی‌خبر بوده‌اند. دوم آن که به نظر می‌رسد با رفع شرایط اضطراری و رفع ممنوعیت‌ها از

معنای عبور و مرور در فضای شهری است و چنانچه وسیله نقلیه موتوری بدون تردد روشن گردد و آلودگی تولید نماید با تمسک به این ماده نمی‌توان مرتکب آن را به کیفر رساند. نکته دیگر آن که مالک وسیله بودن یا نبودن تأثیری در مسئولیت کیفری فرد نداشته و همین که وی اقدام به تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده نماید، بزه مزبور تحقق یافته است. نکته آخر در خصوص مسئولیت کیفری فرد آن است که آیا اگر راننده از دودزا بودن وسیله مطلع نباشد و با چنین وسیله‌ای تردد نماید آیا باید کیفر مقرر در این ماده را بر وی بار نمود یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که این بزه را باید از زمره بزه‌های با سوءنیت دانست که بدون وجود عمد و علم قابل تحقق نیست؛ بنابراین پاسخ سؤال مزبور منفی است و زمانی کیفر بر مرتکب بار خواهد شد که وی از دودزا بودن وسیله اطلاع داشته و با قصد با آن تردد نماید.

در ماده مزبور برای این رفتار مجرمانه، کیفر بسیار ناچیزی پیش‌بینی شده که بدیهی است نمی‌تواند هدف بازدارندگی کیفر را به خوبی نشان دهد. در این ماده پنج هزار ریال تا یک صد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر حجم موتور میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم به عنوان کیفر معین شده است؛ اما در این ماده اقدام تأمینی پیش‌بینی شده است که به وضوح سودمندی آن نسبت به کیفر تعیین شده نمایان است. ادامه ماده مقرر می‌دارد که «... ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد».

صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی محیط‌زیست می‌رسد». همچنین ماده ۵ نیز اشعار می‌دارد: «هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می‌شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده‌های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط‌زیست که توسط شهرداری‌ها ایجاد می‌گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند...».

۱- منابع آلوده کننده مطابق ماده ۳ قانون مزبور به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف - وسایل نقلیه موتوری ب - کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ج - منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه.

مربوطه نمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان محیط‌زیست و دستور مرجع قضایی ذی‌ربط محل که بلافاصله توسط مأمورین نیروی انتظامی به موردا اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد».

مطابق تبصره این ماده: «در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت محیط‌زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانه‌ها و کارگاه‌های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانه‌ها و کارگاه‌های مذکور رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رأی دادگاه صالحه، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آن‌ها نمایند برحسب مورد به مجازات مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوطه به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد...».

ماده ۱۷ این قانون نیز به اعمال ممنوعیت‌ها و نقض آن‌ها اختصاص یافته است. مطابق این ماده: «در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌تواند کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی را که فعالیت آن‌ها خطرات فوری در برداشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آن‌ها گردد و در صورت استتکاف به حکم رئیس دادگاه محل تارفع موجبات خطر تعطیل نماید».

ممانعت از انجام بازرسی و عدم همکاری با مأموران سازمان حفاظت محیط‌زیست

این بزه در ماده ۳۰ قانون مزبور مقرر گشته است. مطابق این ماده: «کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط‌زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات موردنیاز

طرف سازمان، دیگر نتوان رفتار ناقضان آن را جرم دانست هر چند که رفع آن‌ها به اطلاع عموم نرسیده باشد.

کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها

عدم رعایت ضوابط، رفع آلودگی یا توقف فعالیت‌های موجب آلودگی هوا از سوی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها

ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «صاحبان و مسئولین کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴، ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفت صد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند».

ماده ۱۴ قانون مزبور بیان می‌دارد: «فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای ماده ۱۲ را رعایت نمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است».

چنانچه کارخانه‌ها یا کارگاه‌هایی سبب آلودگی هوا شوند، سازمان محیط‌زیست به آن‌ها اخطار داده و مهلتی را تعیین می‌نماید تا نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. ضمانت اجرای عدم رعایت این مقرر در ماده ۲۹ که خود نیز آن را به ماده ۱۶ احاله داده مقرر گشته است. مطابق ماده ۱۶: «در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه

۱- ماده ۱۲ اشعار می‌دارد: «احداث کارخانجات و کارگاه‌های جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاه‌های موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌باشد».

آلودگی نفتی مصوب ۱۹۹۰^۲ که ایران نیز عضو آن‌ها است، مطرح شده (خالقی و رشوادی، ۱۳۹۲)، اما همه این قوانین آلودگی آب را تعریف نکرده‌اند.

آلودگی آب دارای منشأ متعددی است. ممکن است از طریق پساب‌های تصفیه‌ای از مواد زائد یا دارای تصفیه نامناسب، ورود آب‌های سطحی و از آنجا به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها داخل شود یا این که از طریق مواد مصرفی زیان‌آور در کشاورزی (مثل کودها و آفت‌کش‌ها) و همچنین به وسیله مواد شیمیایی سمی خطرناک یا از مواد زائد در محل‌های دفع زباله یا تأسیسات صنعتی امکان آلودگی آب فراهم می‌گردد (گوندلینگ و همکاران، ۱۳۸۹).

باین حال در نظام حقوقی ایران مقرراتی قابل مشاهده هستند که به صراحت به تعریف آلودگی آب پرداخته‌اند. اولین مقرره را می‌توان ماده ۵۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ دانست که آلودگی آب را «آمیختن مواد خارجی به آب به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به طوری که مضر به حال انسان و چهارپایان و آبزیان و گیاهان باشد، تغییر دهد» دانسته است. بند ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ دومین مقرره است که در تعریف آلودگی آب بیان می‌دارد: «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا غیرمفید سازد»؛ بنابراین آلودگی آب در اثر ورود مواد یا عوامل فیزیکی و شیمیایی به آن به میزانی که باعث تغییر حالت طبیعی آن گردد، تحقق می‌یابد (وفادار، ۱۳۸۶).

در خصوص حمایت کیفی از آب باید بیان داشت که از یک سو هرچند این قوانین به حمایت از منابع آب توجه داشته و حمایت‌های حقوقی از آن به عمل آورده و آلودگی

سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند برحسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد».

منابع تجاری، خانگی و متفرقه

مطابق ماده ۳۱: «صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یک صد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

مطابق ماده ۳۲: «مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی... به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یک صد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد»

جرم‌انگاری آلودگی آب

هرچند بحث حمایت از آب و پیش‌گیری از آلودگی آن در قوانین داخلی همچون قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۱۳۲۲، قانون تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۳۴۲، قانون حفظ و حراست منابع آبی زیرزمینی کشور مصوب ۱۳۴۵، قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ و اسناد فرا ملی همچون کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون آمادگی، مقابله و همکاری در برابر

2. Convention sur la préparation, la lutte et la coopération en matière de pollution par les hydrocarbures (OPRC) (Londres-30 novembre 1990).

1. Convention internationale de 1973 pour la prévention de la pollution par les navires et son protocole de 1978 (MARPOL) (17 février 1978).

مجری است چرا که از یک سو آلودگی آب رفتاری است که در پس آن تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد و از سوی دیگر کیفر قانون نخست حبس از دو تا شش ماه است و بنابراین مشمول قسمت اخیر ماده ۶۸۸ که مقرر می‌دارد: «چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد» نخواهد شد.

جرم‌انگاری آلودگی خاک

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی اسنادی در راستای حمایت از خاک به عنوان بخش قابل توجهی از محیط‌زیست به تصویب رسیده‌اند که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را منشور اروپایی خاک مصوب ۱۹۷۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهای که به‌طور جدی با خشک‌سالی و یا بیابان‌زایی^۲ مواجه می‌باشند، به‌ویژه در آفریقا مصوب ۱۹۹۴^۳، پروتکل خاک آلپ مصوب ۱۹۹۸ و کنوانسیون آفریقایی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی مصوب ۲۰۰۳ برشمرد.

سیاست تقنینی کیفری ایران در حوزه خاک مانند دیگر حوزه‌های زیست‌محیطی فعال نبوده است. در این خصوص دو مقرر و وجود دارند. نخست تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون

آن را ممنوع اعلام کرده‌اند^۱ اما حمایت آن‌ها همراه با سرزنش کیفری نبوده است و از سوی دیگر اگر در برخی قوانین همچون قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ حمایت کیفری صورت گرفته، به جهت آن که قلمرو آن‌ها به محیط‌زیست شهری مربوط نمی‌شود باید آن‌ها را در خصوص منابع شرب شهری غیرقابل اجرا دانست.

باین وجود مقرراتی در حقوق کیفری ایران وجود دارند که بر اساس آن‌ها می‌توان نظاره‌گر حمایت کیفری قانون‌گذار از آب در محیط‌زیست شهری بود. نخست آن که اگر شخصی به‌عمد باعث آلودگی آب شود، به مجازات مقرر در بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ محکوم خواهد شد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۷۳). بر طبق این ماده، مجازات چنین شخصی جریمه از دو هزار تا پنج هزار ریال و یا حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا هر دو مجازات است. دوم ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که «آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده یا ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه» را جرم تلقی کرده و کیفر حبس تا یک سال را برای آن پیش‌بینی کرده است.

اما در این خصوص همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد چالش شناخت آلودگی محیط‌زیست (آلودگی آب) و تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد. با این حال باید معتقد بود که برای آلوده کردن آب شهری فقط ماده ۶۸۸

۲- Desertification به معنی تخریب سرزمین در مناطق خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب ناشی از عوامل مختلف از جمله تغییرات آب و هوا و فعالیت‌های انسانی می‌باشد. تخریب سرزمین (Land Degradation) نیز به معنی کاهش یا از دست رفتن توان تولید زیست‌شناسی یا اقتصادی و ترکیب اراضی دیم، آبی، مرتع، چراگاه، جنگل، بوته‌زار در مناطق خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب ناشی از بهره‌برداری از سرزمین یا از یک فرایند یا ترکیبی از فرایندها از جمله فرایندهای ناشی از فعالیت‌های انسانی و شیوه‌های سکونت می‌باشد، مانند: ۱- فرسایش خاک ناشی از باد و یا آب؛ ۲- زوال خصوصیات فیزیکی، شیمیایی و زیست‌شناسی یا اقتصادی خاک و ۳- نابودی دراز مدت پوشش گیاهی (گوندلینگ و هم‌کاران، ۱۳۸۹).

1. Convention des Nations Unies de Paris du 17 juin 1994 sur la lutte contre la désertification dans les pays gravement touchés par la sécheresse ou la désertification en particulier en Afrique (Paris-14 octobre 1994).

۱- برای مثال می‌توان به ماده ۵۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «آلودگی آب ممنوع است و موسساتی که آب را به مصارف شهری یا صنعتی یا معدنی می‌رسانند موظفند طرح تصفیه آب و دفع فاضلاب را با تصویب وزارت آب و برق و وزارت بهداشت تهیه و اجرا کنند». همچنین ماده ۲ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آلودگی آب اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی آب را فراهم نماید ممنوع اعلام کرده است. هم‌چنین ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب را می‌توان مثال زد که بیان می‌دارد: «آلوده ساختن آب ممنوع است. مسئولیت پیش‌گیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط‌زیست محول می‌شود...».

دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رأی دادگاه صلاحیت‌دار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس جنحه ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد.^۳

اما این ماده در خصوص اشخاص حقوقی است و ضمانت اجرای آلودگی محیط‌زیست توسط اشخاص حقیقی در ماده ۱۳ پیش‌بینی شده است که به موجب آن: «کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین‌نامه‌های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند برحسب مورد که در آیین‌نامه‌های مزبور تعیین خواهد شد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهند شد».^۳

در این خصوص نیز همان چالش تعارض قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات وجود دارد که باید به اعمال ماده اخیر در خصوص آلودگی خاک معتقد بود.

جرم‌انگاری آلودگی صوتی

در نظام حقوقی ایران قوانین و مقرراتی به آلودگی صوتی توجه داشته‌اند که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، آیین‌نامه نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۹، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸ و قوانین برنامه

تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که آلودگی خاک^۱ را «پخش یا آمیختن مواد خارجی... به خاک... به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد» می‌داند. بدین سان آلودگی خاک را می‌توان از رهگذر کیفر مقرر شده برای تهدید علیه بهداشت عمومی که در ماده ۶۸۸ پیش‌بینی شده است مشمول حمایت کیفی قرار داد، زیرا ماده ۶۸۸ ماده‌ای تمثیل محور بوده و مصادیق خود را به صورت تمثیلی و نه حصری بیان کرده است.

علاوه بر این قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز ضمانت اجرای کیفی برای مرتکبان آلودگی خاک در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۱۱ قانون مزبور سازمان محیط‌زیست در مورد کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی خاک را فراهم می‌آورند می‌تواند دو اقدام «دادن اخطار» و یا «دادن دستور» را انجام دهد. اخطار زمانی است که سازمان محیط‌زیست تشخیص دهد کارخانه یا کارگاهی اقدام به آلودگی محیط‌زیست می‌کند که از این جهت مراتب را کتباً با ذکر دلایل برحسب مورد به صاحبان یا مسئولان آن‌ها **اخطار** می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند؛ اما در صورتی که در مهلت مقرر اقدام نمایند به **دستور** سازمان از کار و فعالیت آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد.^۲ ضمانت اجرای نقض این تکلیف در ماده ۱۲ بدین نحو مقرر گشته است. «صاحبان یا مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ مکلف‌اند به محض ابلاغ

۳- ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «مقررات جلوگیری از آلودگی یا تخریب محیط زیست و جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست و همچنین ضوابط تعیین معیار و میزان آلودگی موضوع ماده ۹ این قانون و محدودیت و ممنوعیت‌های مربوط به حفظ و بهبود و بهسازی محیط زیست به موجب آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به تصویب کمیسیون‌های کشاورزی و منابع طبیعی و بهداری و دادگستری مجلسین برسد».

۱- از منابع عمده آلودگی خاک استفاده از سموم دفع آفات نباتی است (هوشنگ، ۱۳۵۶).

۲- مطابق تبصره ماده قانون مزبور: «رئیس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در بر داشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آن‌ها را بدهد».

هم چنین می توان به بند ۲ اصلاحی قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ اشاره کرد که تأسیس کارخانه ها، کارگاه ها، کارآزهای عمومی، تعمیرگاه ها و به طور کلی مشاغلی که ایجاد مزاحمت و سروصدا کنند را ممنوع دانسته است.

اما جرم انگاری آلودگی صوتی به صراحت در دو قانون مورد اشاره قرار گرفته است. اول آیین نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۹ که استفاده از بلندگو را تحت رعایت ضوابطی دانسته است. از جمله مهم ترین ضوابط این آیین نامه می توان به کسب اجازه از شهرداری برای استفاده از بلندگو؛ عدم ایجاد مزاحمت برای افراد و اخلال در نظم در صورت استفاده از بلندگو و ممنوعیت استفاده از بلندگو از ساعت ۱۳ تا ۱۶ و ۲۰ تا ۷ صبح اشاره کرد. ماده ۶ این آیین نامه ضمانت اجرای تخلف از این مقررات را حبس تکدیری از دو روز تا ده روز و یا غرامت تا دویست ریال پیش بینی کرده است؛^۲ اما پرسشی که در خصوص این آیین نامه پیش می آید آن است که از اساس آیین نامه می تواند جرم انگاری نماید و رفتاری را جرم بشمارد یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که مطابق نظام حقوقی قبل از انقلاب، بر اساس قانون، آیین نامه می توانست در امور خلافی جرم انگاری نماید اما در امور جنحه و جنایت خیر؛ اما پس از انقلاب چون مقرراتی در این زمینه وجود ندارد، آیین نامه توان جرم انگاری را نداشته و بر این اساس این آیین نامه نیز نمی تواند عنصر قانونی برای جرم آلودگی صوتی باشد.

دومین قانون که مهم ترین ضمانت اجرا برای به کیفر رسانی مرتکبان آلودگی صوتی است، ماده ۳۲ قانون نحوه

سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برشمرد (دیبری و همکاران، ۱۳۸۹).

مطابق بند ۲ ماده ۱ آیین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی این عمل عبارت است از: «پخش و انتشار هر گونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز^۱ و مقرر در فضای باز (غیر سرپوشیده)». این آیین نامه میان عامل آلودگی صوتی و منابع آلودگی صوتی تفاوت قائل شده است. مطابق بند ۵ ماده ۱: «عامل آلودگی صوتی... عبارت است از هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع ثابت و هدایت منابع سیار مولد آلودگی صوتی را خواه برای خود، یا به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر بر عهده داشته و یا شخصاً به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی است»؛ اما از جمله منابع و کانون های آلودگی صدا می توان به نیروگاه ها و پالایشگاه ها، کارخانه ها و کارگاه ها، وسایل نقلیه موتوری اعم از هوایی، دریایی، زمینی و هوایی، فرودگاه ها و سایر منابعی اشاره کرد که به هر نحو آلودگی صوتی تولید می کنند.

اما در خصوص جرم آلودگی صوتی می توان مقررات دوگانه ای را یافت که دسته اول فقط بر ممنوعیت این رفتار تأکید داشته که از این جهت چون همراه با سرزنش کیفری نبوده در قلمرو حقوق کیفری قرار نگرفته، اما دسته دوم پرچم ضمانت اجرای کیفری را برافراشته و بدین سان در قلمرو حقوق کیفری قرار می گیرند.

از جمله مقررات دسته اول می توان به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۲ آیین نامه اشاره کرد که اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع اعلام کرده است.

۲- حبس مقرر در این ماده در خصوص مرتکبان آن اعمال نخواهد شد، چرا که مطابق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند». مجازات های جایگزین حبس به موجب ماده ۶۴ عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی.

۱- مطابق بند ۳ این ماده: «حد مجاز آلودگی صوتی که استاندارد آلودگی صوتی هم نامیده می شود، عبارت است از میزان و مشخصات ویژه ای که با توجه به اصول حفاظت محیط زیست و بر مبنای واحد اندازه گیری صدا برای منابع مولد آلودگی صوتی و فضای مورد انتشار و محیط های مختلف تعیین می شود».

نتیجه‌گیری

قوانین کیفی ایران محیط‌زیست شهری را یک ارزش مورد حمایت پنداشته و برای محافظت از آن به مداخله کیفی اقدام کرده‌اند. این مداخله از دو جهت مثبت ارزیابی نمی‌شود. اول آن که این مداخله به صورت پراکنده و در قوانین مختلف به عمل آمده است. دوم آن که ضمانت اجرای مقرر در این قوانین به جهت خفیف بودن، اثر بازدارنده نداشته و موجب تبعیت تابعان حقوق کیفی از آن‌ها نمی‌شوند.

با این حال در حقوق کیفی ایران، محیط‌زیست شهری دارای ارزش قلمداد شده و قانون‌گذار در قوانین مختلفی به بزه‌انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، بزه‌انگاری پسماند محوره، بزه‌انگاری آلودگی‌های زیست‌محیطی (هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی) و تهدید علیه بهداشت عمومی مبادرت ورزیده است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که مقنن در نخستین اقدام خویش به تدوین قانونی منسجم و یکپارچه زیست‌محیطی مبادرت ورزد تا از پراکندگی فعلی قوانین محیط‌زیستی جلوگیری به عمل آورد و در اقدام بعدی به اصلاح ضمانت اجرای قوانین زیست‌محیطی همت گمارد تا گامی مثبت برای جلوگیری از ورود آسیب‌های متعدد به این حوزه برداشته شود. هم‌چنین مقنن باید با بهره‌گیری از متخصصان حوزه حقوق کیفی محیط‌زیست به رفع چالش‌های موجود در عرصه حمایت کیفی از محیط‌زیست به‌طور عام و محیط‌زیست شهری به‌طور خاص نائل آید تا از تفاسیر ناروا در این عرصه پیش‌گیری و کمک شایانی به کارایی و پویایی حمایت کیفی از محیط‌زیست شده باشد.

منابع

پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۰). **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**. تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول

جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ است که مقرر می‌دارد: «... عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یک صد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد». در مواد ۷، ۱۱ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی نیز پس از بیان رعایت شرایط و ضوابطی از سوی منابع تولیدکننده، نقض این ضوابط را مستوجب کیفر مقرر در ماده ۳۲ پیش‌گفته دانسته است.

علاوه بر این قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست نیز مقرراتی را در زمینه جرم‌انگاری آلودگی صوتی دارد. از جمله ماده ۱۰ این قانون که جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان‌آور به محیط‌زیست در زمره وظایف سازمان محیط‌زیست شناخته شده است و تکلیف تصویب آیین‌نامه‌هایی در این راستا پیش‌بینی شده است و ماده ۱۳ که ضمانت اجرای نقض آیین‌نامه‌های ماده ۱۰ را جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال تعیین کرده است.

در خصوص جرم آلودگی صوتی چند نکته قابل ذکر است. نخست آن که عمل مرتکب در این جرم پخش و انتشار هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز. دوم آن که به نظر می‌رسد جرم آلودگی صوتی یک جرم با مسئولیت مطلق است که در تحقق آن نیازی به اثبات سوءنیت نیست؛ بنابراین مقنن با نگاهی به نتیجه اثر که ایجاد آلودگی صوتی است، معتقد است که بروز چنین رفتار و نتیجه‌ای موجب تحقق جرم می‌شود هرچند که مرتکب قصد چنین رفتار و نتیجه‌ای را نداشته باشد. سوم آن که چالش پیش‌گفته در مورد پراکندگی قوانین کیفی در خصوص محیط‌زیست شهری وجود دارد و لازم است که مقنن به رفع این اختلافات بپردازد چراکه در مورد این جرم نیز هم قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مقرراتی را به تصویب رسانده است و هم قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا.

شلتون، دینا. (۱۳۸۹). **حقوق محیط زیست**. ترجمه محمد حسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

مشهدی، علی. (۱۳۹۲). **حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی - فرانسوی)**. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ نخست.

مشهدی، علی. (۱۳۸۶). مدیریت پسماندها در حقوق ایران و فرانسه (با تأکید بر قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳). **فصلنامه مدیریت پسماند**، ۳۸(۱)، ۲۲۹ - ۲۲۴.

مک کالیون، کنت. (۱۳۸۳). اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی: حقوق و راه‌حل‌ها. ترجمه محمدحسین زاهدین لباف، **مجله حقوقی**، ۳۱، ۱۸۵ - ۱۷۱.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**. تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و یکم.

وفادار، علی. (۱۳۸۶). تعهد و مسئولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست. **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، ۹(۱)، ۱۱۰ - ۱۰۱.

نجات، سیدامین؛ دبیری، فرهاد. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸(۹۱۴) قانون مجازات اسلامی. **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، ۲(۲۷)، ۱۹۷ - ۱۷۳.

هوشنگ، مهران. (۱۳۵۶). آلودگی شیمیایی خاک. **مجله محیط شناسی**، ۷(۷)، ۱۳۰ - ۱۲۴.

تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۴). **حقوق محیط زیست در ایران**. تهران: انتشارات سمت، چاپ نخست.

خالقی، ابوالفتح؛ رشنوادی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی. **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، ۳(۳)، ۱۴۱ - ۱۱۹.

دبیری، فرهاد؛ نصیری، پروین و آهنربای، نوشین. (۱۳۸۹). مقایسه قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی در ایران و چند کشور آسیایی، **فصلنامه انسان و محیط زیست**، ۸(۳)، ۱۷ - ۱۱.

عبداللهی، محسن. (۱۳۸۶). حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی. **فصلنامه علوم محیطی**، ۱۵(۱)، ۱۱۷ - ۹۷.

قاسمی، ناصر. (۱۳۸۵). مبانی تحقق جرایم زیست محیطی. **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی**، ۳۹ و ۳۸، ۴۰ - ۲۹.

قاسم‌زاده، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد حقوقی محیط زیست با تأکید بر جنبه‌های پیش‌گیری از آلودگی محیط زیست. **فصلنامه علامه**، ۱۵، ۱۳۴ - ۱۰۷.

کاتوزیان ناصر. (۱۳۸۹). **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و ششم.

کوشکی، غلامحسین. (۱۳۸۸). چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست محیطی. **فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی**، ۱۸ و ۱۷، ۱۰۴ - ۸۷.

گوندلینک، لوتار؛ هویسمان، جی دبلیو؛ هلیپاپ، ای ای و